

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه دهم اردیبهشت ماه ۱۳۲۱

## فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس  
 ۲ - اعلام اسامی اعضاء منتخبه جهة دیوان محاسبات  
 ۳ - بقیه شور لایحه املاك و اگذاری  
 ۴ - موافق و دستور جلسه بعد - غنیه جلسه

مجلس دو ساعت و نیم پیش از ظهر بریاست آقای بیات نائب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس روز هشتم اردیبهشت ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند

- ۱ - تصویب صورت مجلس |  
 نایب رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد خیر) صورت مجلس تصویب شد.  
 ۳ - اعلام اسامی اعضاء منتخبه جهة دیوان محاسبات |  
 نایب رئیس - نتیجه استخراج آراء راجع به انتخاب چهار نفر برای اعضاء دیوان محاسبات بعرض مجلس میرسد.  
 مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی - نتیجه استخراج آراء متخذه در جلسه هشتم اردیبهشت ۱۳۲۱ راجع به انتخاب چهار نفر کارمندان دیوان محاسبات بشرحی است که در زیر بعرض میرسد.  
 آراء مأخوذه ۹۰ - حائزین  
 عده حضار ۹۶  
 اکثریت آقایان :  
 آقای محمد رضوی ۷۲ رأی      آقای میرسپاسی ۶۶ رأی  
 " اسدبدر پیسیدار ۶۳ رأی      " حسین افضل ۵۷ رأی  
 [ ۳ - بقیه شور لایحه املاك و اگذاری ]  
 نایب رئیس - در ماده ۱۴ پیشنهادات مطرح شد و پیشنهادهای از طرف آقای غنیر فرهمند شد و مطرح شد و رأی آن مو کول بجلسه امروز شد در زمینه این پیشنهاد هم يك پیشنهادی آقای اعتبار کرده اند تقریباً با این پیشنهاد یکی است آن هم خوانده میشود.

این مذاکرات مشروح چهل و نهمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری

اداره تدوین و تحریر صورت مجلس

- اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :  
 غالبین با اجازه - آقایان : مسعودی خراسانی - ملک زاده آملی - فاطمی - شهابنگ - هراز  
 غالبین بی اجازه - آقایان : موثر - محطلاریجانی - ناصری - شجاع - اکبر - دکتر سنگ - شیرازی - دکتر ادهم - دبستانی - خسروشاهی - سلطانی - صادق وزیری - گرگانی - دیرآمدگان با اجازه - آقایان : گودرز نیا - ملشور - دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : رضوی - تولی - سزاوار - یهین - سفندیاری - جره تاش - مستشار - امامی - نقابت - نصر تپان

پیشنهاد میکنم منافع املاکی را که غصب آنها محرز و سند روی آن صادر نگشته سه ساله بپردازند. اعتبار نایب رئیس - آقای اعتبار.

اعتبار - این پیشنهاد بنده با پیشنهاد آقای مخبر فرهمند يك تفاوت دارد و آن این است که ایشان پیشنهاد کرده اند منافع املاک غصب شده را سه ساله بپردازند و با پیشنهاد بنده تفاوتش این است که بنده نوشته ام که سند رویش صادر نشده باشد البته آنچه که بنده شنیده ام منافع املاک غصب شده يك صورتهای مختلفی دارد و اصل هم این است که باید پرداخته شود و در موضوع املاک غصب شده گفته میشود که رویش معامله شده یعنی باین ترتیب يك ملكی را از همسایه او خریده اند بعد از تحدید حدود املاک دیگری را هم ضمیمه کرده اند و سند رویش صادر شده است و البته این در عمل و پیدا کردن قطعات و منافع آن ملك كار مشکلی است باین جهت نظرم این است که آنهاييکه سند رویش صادر نشده است منافع آن ملك هر قدر باشد باید بدهند و آنهاييکه سند صادر شده است بهمان ترتیبی که آقای وزیر دادگستری در نظر گرفته اند و کمیسیون هم موافقت کرده عمل شود. نایب رئیس - آقای مخبر فرهمند.

مخبر فرهمند - بنده هم معتقدم املاکی را که پول نداده اند و سند نگرفته اند حتماً بایستی منافعش داده شود و برای اینکه دولت در مضیقه نباشد پیشنهاد کردم سه ساله منافع را بپردازند.

نایب رئیس - آقای مؤید احمدی. مؤید احمدی - بنده در جلسه گذشته عرض کردم و البته عقیده همه آقایان حتی آقای وزیر دادگستری همین است ملكی که غصب شده و واگذار میشود منافعش هم داده شود و بنده هم موافقم و این فقط يك اشتباهی است که سند صادر شده و سند باسم شاه سابق صادر شده لکن قبالة ندارد یعنی همینطور که فرمودند ملكی را خریده اند و يك قسمت هائی هم اضافه برده اند بنابراین بنده هم با این

پیشنهاد موافقم و خوب اصلاحی میباشد. نایب رئیس - آقای ملك مدنی.

ملك مدنی - این مطلبی که میخواهم عرض کنم در جلسه خصوصی هم عرض کردم که يك قسمت املاکی هست که غصب شده و قبالة از او نگرفته ملك را تصرف کرده اند و بعد هم سند صادر شده است و اصافاً بایستی نسبت باین ها توجه شده و در آمد املاک اینها را مسترد کنند و بنظر بنده مخصوصاً برای جلب توجه آقای وزیر دادگستری عرض میکنم که محل پرداخت اجرة المثل این قبیل املاک را در آمد آن املاکی که باقی میماند و درید دولت هست معین نموده و چون اقلأ صد بیست املاک باقی میماند و در دست دولت باقی خواهد ماند از در آمد آن املاک سه ساله اجرة المثل آن املاک مفسوبه را بپردازند که مجلس يك رأی اساسی و منطقی داده باشد. نایب رئیس - پیشنهاد آقای مخبر فرهمند.

(بشرح زیر خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم منافع املاک غصبی که قبالة صادر شده باشد در ظرف سه سال بصاحبانش پرداخته شود.

وزیر دادگستری - بنظر بنده این پیشنهادی که حالا قرائت شد هم محمل است و هم مورد اشکال واقع خواهد شد زیرا نوشته شده است که در ظرف سه سال پرداخته خواهد شد و دیگر اینکه نوشته شده قبالة صادر نشده باشد بنظر بنده گیر مطلب در این جا نیست ملكی که صحبت میشود که ممکن است غصب شده باشد یعنی معامله نسبت باو نشده باشد یعنی از بابت ملكی که تصرف شده پولی پرداخته نشده باشد و بنظر بنده داخل این جزئیات اگر بشویم توامد زحمت میکنند برای آن کسانی که رسیدگی خواهند کرد این مطالب را بنظر بنده واردش نشویم و بگوئیم كلیه ملكی که غصب شده يك میزانی برایش در نظر بگیریم که بعنوان منافع پرداخته شود بهتر است و بنظر بنده بهترین میزان همان است که در لایحه ذکر شده اگر سنوات ذکر کنیم یعنی ملك پرداخت را عایدات يكسال یا دو سال قرار دهیم چون تشخیص مشکل است تولید اختلاف زیاد میکند و همانطور

که عرض کردم راه میدهد بچیزهائی که برخلاف منظور آقایان است و بهمین ترتیبی که نوشته شده است هم کمتر اختلاف تولید میشود و هم زودتر مطلب حل میشود. اعتبار - بنده هم با پیشنهاد آقای مخبر فرهمند موافقت میکنم.

نایب رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای مخبر فرهمند که آقای اعتبار هم قبول فرمودند آقایانی که موافقت اظهار موافقت فرمایند (عده قلبی بر خاستند) تصویب شد. پیشنهاد آقای اوحدی.

بنده پیشنهاد میکنم که مبلغ سی هزار ریال در آخر بند الف حذف شود.

نایب رئیس - آقای اوحدی.

اوحدی - استدعا میکنم آقای وزیر دادگستری و سایر آقایان توجه فرمایند که بچه نظر بنده این پیشنهاد را تقدیم کرده ام. بنده از ابتدای طرح این لایحه موافقت و عقیده داشتم که ملك غصب تصرفش بر غاصب حرام رد آن بصاحبش واجب است (صحیح است) از ابتدا این عقیده را داشتم و حالا هم دارم و تصور میکنم همه آقایان این عقیده را دارند (صحیح است) بیائیم سر مسئله منافع در اصل نظری نیست که باید رد شود بسیار خوب می آئیم سر منافع بنده معتقدم يك اصول مسلمه که از ناحیه ذات احدیت بهمه ما رسیده گاهی بلسان قرآن و گاهی بلسان اخبار و گاهی بلسان قانون اقلأً او را رعایت کنیم و برخلاف او صحبتی نکنیم عرض میکنم در غصب آبادی متعدده پیدا میشود بد اول غصب منتسب است باعلیه حضرت شاه سابق و بد دوم منتسب است باعلیه حضرت فعلی و بد سوم منتسب است بملت که بنام دولت گفته میشود و بنا بر این اجازه بدهید ماده ۳۲۰ از قانون مدنی را بنده اینجا بخوانم ماده ۳۲۰ نسبت بمنافع مال مفسوب هر يك از غاصبین باندازه منافع زمان تصرف و ما بعد خود ضامن اند. ملتفت شدید این صریح قانون بنابراین از سی ام شهریور ۱۳۲۰ این املاک بملت واگذار شده پس اگر بنا شود ملت ضامن

باشد از آن تاریخ هر ملكی که غصبش معین شد چه يك تومان چه هزار تومان چه ده هزار تومان باید منافع آنهم داده شود عنوان يكسال و دو سال و عنوان ده هزار و بیست هزار تومان برخلاف حکم خدا و رسول و قانون است اگر بنده يك ملكی را امروز غاصب هستم و صد هزار تومان انتفاع آر برده ام باید تمام آر ایدهم يكسال دو سال برای چه؟ راه عمل را قانون معین کرده و آن را بر خلاف این ماده بخسوا هید رأی بدهید برخلاف حکم خدا رأی داده اید این محرز همانند سر جای خودش. قانون برای ذی حق راه باز کرده امروز اعلیه حضرت شاه سابق يك فرد عادی بیشتر نیست هر کس میخواهد بقوه قضائیه که مرجع رسمی تظلمات است برود شکایت کند مطالبه کند حق خودش را بگیرد باید برود عدلیه و غیر عدلیه کسی صلاحیت ندارد که اظهار نظر کند خودش ضامن است خودش دارائی دارد و خودش هم باید رد کند در خانه يك کاه هم بدوست عزیز خودم آقای نقابت میخواستم عرض کنم که دفع اشتباه از ایشان شده باشد ایشان در جلسه قبل اظهار کردند که واگذاری اعلیه حضرت شاه فعلی این املاک را بملت مشروط بشرط است و ضمن العقد شرط شده بنده هر چه گشتم همچو خبری را پیدا نکردم در فرمان واگذاری اعلیه حضرت بنده اینطور ملتفت شدم از عبارتی که مرقوم فرموده اند که چون منظور اصلی اعلیه حضرت پدر بزرگوار ما از واگذاری اموال خودشان بما این بود که بمصارف خیریه برسد و ما هم همیشه سعی داشته و داریم که وسائل آسایش و رفاه عموم را از هر حیث فراهم آوریم بنا بر این چنین تصمیم گرفتیم اموالی که از قبیل املاک و مستقالات و کارخانجات بمسا واگذار شده است بمنظور ترقی کشاورزی و بهبود حال ترقی اوضاع شهرها ترقی صنایع کشور بهبود حال کارگران و فرهنگ و بهداری بدولت و ملت اعطا مینمائیم که برای انجام مطالب بالا یا املاک را بفروش برسانند و یا با حفظ و توسعه آبادی آنها در ملك دولت نگاهدارند و نیز مقرر میداریم که اگر کسانی باشند که نسبت باملاک ادعای غبنی

داشته باشند پس از رسیدگی بشکایات آنها از محال همین املاک رفع ادعا بشود پس این عین فرمان پادشاه فعلی ما است بشرط این که چیز زائدی نبوده است و آن عنوان مورد ندارد که بگویند ضمن العقد شرط شده است ضمن العقد شرطی نشده است و اگر گذارنده است برای رفاهیت مردم و بنده پیش از این عرضی ندارم و امیدوارم آقای وزیر داد گستری توجه فرمایند که این سه هزار ریال حذف شود .

نایب رئیس - آقای اوار .

اوار - آقای اوحدی يك شخص مبرز هستند در عین اینکه میخواهند کمک کنند در عین حال ضرر میرسانند برای خاطر اینکه املاکی که غصب شده بنابر اطلاعی که دارم کمتر آنها دارای سه هزار تومان است مثلاً يك ملك شش دانگی را که خریده اند آمده اند در حدود این املاک يك جاهائی را هم غصب و تصرف کرده اند و آنها هاسه هزار تومان منافع نداشته و باعتبار حدود در نظر گرفته اند باین صحبت هائی که شد توافق شد که ما بیایم نسبت باینهائی که املاک آنها در آن حدود ملك خریداری بوده و غصب شده سه هزار تومان برای آنها قائل شویم که تا این مبلغ داده شود این اولاً ثانیاً بعد از ۱۳۲۰ از آنوقت تا کنون کسی چیزی گیرش نیامده است بنده تحقیق کرده ام آقایان از مازندرانى ها اطلاع ندارند که بچه زحمات و ابتدائى افتاده اند و بنده موافقم این موضوع بيك صورتی در آید که اگر صد هزار تومان هم باشد بدهند ولی از شهر یور ۱۳۲۰ به بعد میدانم چیزی گیر کسی نیامده تا اینکه بیایند و بیان کنند و بدهند پس عقیده بنده این است آنچه که کمیسیون پیشنهاد کرده و دولت هم موافقت نموده این بحال آنها نافع است و این چیزی که آقای اوحدی میگویند با آن بیان شافی و کافی و غمخواری کردند عملی نیست .

نایب رئیس - نظر آقای مخبر کمیسیون چیست ؟

مخبر - دو مرتبه قرائت شود .

( مجدداً خوانده شد )

اعتبار ... اینکه قابل رأی نیست پیشنهاد حذف است .

نایب رئیس - پیشنهاد کرده اند که این قسمت سی هزار ریال حذف شود اگر مجلس رأی داد این سی هزار ریال حذف میشود . رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای اوحدی آقایانی که موافقت اظهار موافقت فرمایند ( عده کمی برخاستند ) رد شد . پیشنهاد آقای اورنگ .

بنده پیشنهاد میکنم در آخر بند الف اصلاح شود که ۱۲ پنجاه هزار ریال محاکم حکم صادر کنند که صاحبان آنها داده شود .

نایب رئیس - آقای اورنگ تشریف ندارند بنا بر این پیشنهادات راجع به بند الف خاتمه پیدا کرده رأی میگیریم بقسمت الف ...

اعتبار - بنده پیشنهاد تجزیه در بند الف میکنم باین ترتیب که الف در صورتیکه ملكی بدون عنوان معامله تا آخر عبارت صادر میشود يك رأی گرفته شود و از قسمت در این موارد تا آخر قسمت هم يك رأی گرفته شود .

نایب رئیس - عرض کنم در يك قسمت امپشود تقاضای تجزیه کرد چون ماده قسمت ب قسمت دارد الف و ب و ج و د در آن قسمت های پیشنهاد تجزیه کرده اند آن البته قابل تجزیه بود ولی این قسمت قابل تجزیه نیست . رأی میگیریم به بند الف مطابق همان پیشنهادی که شده است از طرف کمیسیون آقایان بیکه موافقت اظهار موافقت فرمایند ( عده زیادی برخاستند ) تصویب شد . پیشنهادات راجع به بند ب قرائت میشود . پیشنهاد آقای اعتبار قسمت ب از ماده ۱۴ را بشرح زیر پیشنهاد مینمایم :

ب - دولت میتواند املاکی را که طبق این قانون صاحبان آنها مسترد میدارد تا مبلغ سی هزار ریال با قساط متساوی ده ساله مطابق قانون فروش خالصجات دریافت دارد . اعتبار نایب رئیس - آقای اعتبار .

اعتبار - عرض کنم صحبت زیاد شد در این قانون و بالاخره برای خاطر اینکه موضوعی را که آقایان بهش توجه دارند تا حدی تأمین شود پیشنهاد کردیم که این هم با قساط ده ساله مطابق همان رویه که در فروش خالصجات بوده است

عمل شود و اگر آقایان موافقت فرمایند نظر هر دو قسمت تأمین شده است .

نایب رئیس - آقای دشمنی هم يك پیشنهادی فرموده اند مطابق همین پیشنهاد آقای اعتبار است خوانده میشود که توضیح بدهند .

پیشنهاد آقای دشمنی .

بنده پیشنهاد میکنم بجای بند ب اینطور نوشته شود ب - اشخاص بی بضاعت که بهای ملك آنها تا سی هزار ریال باشد میتوانند بهای بازخرید ملك خود را تا ده سال بپردازند اعتبار - بنده هم موافقم با این پیشنهاد .

دشمنی - بنده اینجا میخواستم از این حق توضیح استفاده کنم و يك سوء تفاهمی که در عرایض جلسه قبل من هست عرض بکنم و آن این است که در بند الف آقایان توجه نکردند که بند الف ناظر بتمام املاک نیست بند الف راجع بآن قسمت مختصری از املاک بود که مجلس اعتراف میکنند که بطور غصب بوده است یعنی معامله ای نکرده اند تمام املاک را که بعنوان غصب برده اند . صورت معامله دارد اغلب آنها و من بموجب این قانون آنها را غصب نمیدانم يك ملكی بوده است مال پادشاه سابق با علم حضرت فعلی داده اند آن هم بدولت و اگر گذار کرده است و دولت هم تصدیق میکند مال اشخاص بوده است دو مرتبه با آنها واگذار میکنند بند الف ماده ۱۴ بعنوان کسانی است که ادعائی غصب دارند بآنها واگذار میکنند این عنوان عمومی املاک نیست فقط يك عده کوچکی از این املاک هست که مجلس آنها را بعنوان غصبیت قرار داده بنده الف از ماده ۱۴ املاک را معامله نکرده اند البته کم است دلیل هم گفتیم وقتی که مجلس اعتراف میکنند باینکه غصب است باید تمام محصول و منافع آنها را بهشان بدهند یعنی ما به الثمن آنها را بدهد نسبت باین قسمت است نه تمام املاک بعضی از رفق آمدند از بنده میپرسیدند که تو دو نظر متناقض داری از يك طرف میگوئی تا سی هزار ریال را از مردم بگیرند و اما از آنطرف میگوئی این املاک را همینطور بدهند و حال آنکه نظر بنده اینطور نیست

در قسمت بند الف راجع بيك قسمت محدودی است باید مال دولت مال دولت و مال مردم مال مردم باشد نه اینکه از يك طرف حائمی بخشی کنیم از يك طرف مال مردم را بدهیم باید مجلس عادل باشد و مجلس شورای ملی باید مظهر عدالت و حق گذاری باشد در قسمت بند الف آنچه که مجلس تصدیق کرده است این است که يك ملكی را غصب کرده اند و غصباً در بد شما است و حالا شما میخواهید پس بدهید میگویند تا سه هزار تومان اگر غصبی است تا هزار اندازه که عوایدش هست باید بدهند هر قدر باشد و از آنطرف املاکی که مال دولت است يك املاکی که مال تمام ملت است چرا بدهیم بيك اشخاصی در روز آقایان ثابت در اینجا صحبت کردند و خواستند دفاع کنند از لایحه و بطوری صحبت کردند که ما میخواهیم صاحبان املاک را با اصول مفتخوری سوق بدهیم و مفت خوری را ترویج بدهیم ما میگوئیم اصولاً این پراسیپ این ملك را اینطور دادن این ترویج اصول مفتخوری است شما يك ملكی را همینطور بدهید برای اینکه مال ما نیست این حق مال مملکت است و باید بمصرف تمام کشور برسد بنا بر این بنده از آقایان تمایز کن استند میکنم که توجه باین عرایض میکنند که این پول مال ما نیست که حائمی بخشی بکنیم و سی هزار ریال را بدهیم بيك اشخاصی و بر حسب اظهار خود آقای وزیر داد گسترى این قسمت از املاک شامل صدی هفتاد از املاک خواهد بود یعنی اگر املاک ششصد و بیستون باشد چهارصد میلیونها را ممکن است ما کمک کنیم بنا بر این بنظر بنده و آقایان نه این است که صاحبان املاک کوچک و خرده مالك را بدهند نه بهشان بدهند و ده ساله ازشان بگیرند پانزده ساله بگیرند بالاخره این پول را ازشان بگیرند که بالاخره این پول بصرفه تمام مملکت تمام شود .

وزیر داد گسترى - در قسمت بند الف بنده وارد نمیشوم چون گذشته است راجع باین پیشنهاد هم گفته شده است بنده آن مرتبه عرض کردم موافقم منتهی مدت ده ساله که آقایان پیشنهاد میکنند خیلی زیاد است و در تبصره ذکر شده که پنجسال باشد .

اعتبار - پس قبول کردند که پنجساله باشد.

طباطبائی - پیشنهاد شد مخالف با این پیشنهاد است.

• نایب رئیس - عرض کنم این قسمت پنجساله باشد.

آقایان پیشنهاد کرده اند با هم اختلاف دارد.

دشقی - ما هم موافقیم.

وزیر دادگستری - قسمت پنج سال را همینطور بطور

کلی قبول کردیم که اشخاصی که نتوانند از عهده پرداخت

برایند پنجساله بتوانند مسترد نمایند اینجا پیشنهاد آقایان

مربوط باین است که این سی هزار ریالی که اینجا معاف

کردیم برداشته شود و اینها هم همه مشمول آن مدت بشوند

که بتوانند با قسط بپردازند بنده عرض کردم اصولاً قبول

دارم.

نایب رئیس - یعنی نظر آقای وزیر دادگستری این است

که سی هزار ریالی را که پیشنهاد کرده بودید بخشیده شود

حالا آقایان پیشنهاد کردند که آن سی هزار ریال ده ساله

گرفته شود. مقصود این پیشنهادها این است. آقایان بیشتر

جوان عضو کمیسیون هستید؟

دکتر جوان - خیر.

نایب رئیس - آقای دکتر تاج بخش عضو کمیسیون

هستید؟

دکتر تاج بخش - خیر.

نایب رئیس - البته نظامنامه را ملاحظه فرموده اید که

در پیشنهادات فقط عضو کمیسیون میتواند صحبت کند. آقای

انوار.

سید یعقوب انوار - بنده امیدوارم آقای وزیر باین

سهلی هستند. ما کاری کردیم در کمیسیون و صحبت کردیم

یک املاکی هست که سه هزار تومان چهار هزار تومان در واقع

قیمتش است در واقع مال طبقات سوم و چهارم است نه

طبقات اول و دوم که دارای اموال و زاید گائی باشند از این

نظر هم وزیر مالیه سابق که در آنجا رفته بررسی و رسیدگی

کرده بود و مواعع مردم را دیده بود آمد راپرت داد و هم از

بیانات خودتان در کمیسیون که صحبت کردیم و بنا بر این شد

...

...

کنند و بگوئیم که بطور اقساط گرفته شود حالا تکلیف ب

خود آقایان است موافقت کنند که زودتر بگذرد.

مخبر - بنده از آقای اعتبار مخصوصاً استعجاب دارم که

وجهی بفرماید که قرار بر این شد مذاکرات سه هفته را

تکرار نکنیم یعنی آن مسائلی که آقایان در بدو افتتاح

دوره سیزدهم بیان کردند و شاید تا حدی هم تا عین ملاحظه

که در گفتارشان بود باز هم خیلی وسیع بود آنها را تکرار

نکنند زیرا دولت که این لایحه را تکمیل کرد و در آنجا

بست هزار ریال هم ذکر کرده از رقم بست هزار ریال مورد

موافقت دولت يك اخذ سندی کردیم که وقتیکه دولت قید

میکند که تا بست هزار ریال معاف پس جریان خریداری

املاک يك طوری بوده است که اقتضا دارد ما رعایت کنیم و

بگوئیم که اوبتمام استحقاق پرداخت نشده آقای دکتر سمعی

البته اطلاع دارند که يك خریدهایی شده مثلاً مراعی که

فرض بفرمائید هزارها حشم در آنجا میرفتند به پانزده تومان

یا صد و پنجاه و پنج ریال خریده اند در همان سال دو بست و

پنجاه تومان بمالك همانجا اجاره داده اند در همان سال اول

خریداری با سند رسمی اجاره نامه هم با سند رسمی هر دو اش

هم حاضر است هر کس هم منکر است از آقایان بنده اثبات

میکم ۲۷ تومان فلان مزرعه فلان پیرزن فلان مزرعه اشخاص

یتیم و یتیم خریداری شده با ۲۷ تومان با چهل تومان با

پنجاه تومان و بعد در همان سال دو برابر و سه برابر اثبات

همان ملك بوده و پول هم بتمام شرحی که در سنده نوشته شده

پرداخت نشده است با این اوضاع و احوالی که هست يك

طرف بوسیله دلسوزی و بعنوان طرفداری از ضعیف و فقرا و

خرده مالك اینها اظهار احساسات میشود که خوب است

پول فقرا را ما اینجا پس بدهیم حالا باز بگوئیم که چون

این پانزده تومان کمتر از سی هزار ریال است این را بیا و

باقساط بیا پس بنده خوب نیست آقا (جمعی از نمایندگان -

صحیح است) ما انگفتیم که سه هزار تومان را همه را پس

بدهیم گفتیم تا سی هزار ریال و البته اداره املاک که آقای

وزیر دادگستری چند نفر از قضات مبرز را نامور بر کرده اند

...

...

ورفته اند و پرونده ها و دفاتر را دیده اند و گزارش داده اند

بنابر این گزارشها دوات وضعیت معاملات را دقت کرده از روی

آن وضعیت معاملات خودشان موافقت کرده اند تا بیست هزار

ریال را که خرده مالکین بست تومان و سی تومان و چهل

تومان از مردم گرفته شود علت این سیاست ملاحظه

فرمائید چه جور میگرفتند مثلاً فرض بفرمائید در يك

ناحیه ای يك صد تا خرده مالك است میگفتند تا آن حدودی

که چشمه کار میکند با سستی جز املاک باشد آنوقت می آمدند

نگاه میکردند میدیدند که این خانه مال ورثه است مال

يك اشخاص بیچاره است آنوقت آن مباشر این صورتهای را

باقلام ریز میفرستاد بظهران جمع این صورتهای میشد فرض

بفرمائید شصت هزار تومان میگفتند فلان مقدار بخرید و

این را نه میدادند مال کجاست نه دیده بودند اینرا گفتیم

بعنوان معافیت چیزی گرفته نشود. در همین روزهای نزدیک

شهر یور يك واقعه ای را بنده عرض میکنم برای اطلاع در

نزدیکی همین امامزاده هاشم سر گذار بودیم عرض کنم یکی

از افسران دستور داده بود که آن خرده مالکین اطراف را

بیاورند آنجا آنها را آورده بودند افسر پیاده شد جمعیت را

دید گفت همه را بخطر کشید این جمعیت خرده مالك مال

اطراف دماوند بود همه را بخطر کردند یعنی صف بستند بعد

آن مباشر بآن افسر گفت معلوم میشود که او آخوندی

افسر بهش گفت سه افسر هستیم گفت اگر آخوندیستی تا

ظهر باید این کار تمام شود همه باید سند بدهند. (انوار -

حلال و طیب و مظاهرش باشد) اینها همه آمدند محضر دفتر

رسمی دماوند اینها همه آمدند در آن محضر در دفتر آن

افسر تعلق کرد گفت من آخوندیستم و بشما میگویم که

این املاک باید برضایت باشد و هر کس راضی است امضاء کند

بدهد و هر کس ناراضی است نکند (ببیل سمعی - معلوم

میشود آخوند زاده بوده) یکی از آنها خیال کرد که اوراست

میگوید گفت که من راضی نیستم. همانجا بستندش بچوب

و توی محضر چوب زدند تا راضی شد آنها را دیگر گفتند

راضی هستیم دولت حالا میخواهد اینها را دو مرتبه بنام عدالت

...

...

همه را بخط کند آقای وزیر داد گستری بایستند در سر همان کتل ام امزاده هاشم بخط بکنند و بگویند آقایان از سه هزار تومان کمتر داده تومان هر چه هست ما بخشیدیم (طباطبائی) همین ارفاق است که صحبت ارفاق هم نیست اجازه بفرمائید اگر کسی مریض شد و من غیر حق مجروح شد و او خودش مصدوم و مجروح تکلیف طبیب معالج این است که بچراحت او یک مرهمی بگذارد آقا بیست سال زحمت و خسارت و آزار اجازه بدهید یک قدری یک مرهمی هم با این ده پانزده تومان بیست تومان بآنها بگذاریم مال خارجی نیست مسال اهل مملکت خودمان است که میخواهند بروند آنجا زراعت کنند و بنده استدعا میکنم هم از آقای دشتی و هم از آقای اعتبار لطفاً موافقت کنند و این پیشنهاد را پس بگیرند.

نایب رئیس - آقای وزیر هم که نسبت باین پیشنهادها موافقت ندارند.

وزیر داد گستری - بنده عرض کردم تکلیفش را مجلس معین کند.

یک نفر از نمایندگان - دوباره بخوانند.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دشتی مجدداً خوانده میشود بنده پیشنهاد میکنم بجای بند (ب) اینطور نوشته شود ب - اشخاص بی بضاعت که بهای ملک آنها تا سی هزار ریال باشد میتوانند بهای باز خرید ملک خود را تا ده سال بپردازند.

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای دشتی آقای اعتبار هم که موافقت.

اعتبار - بلی

نایب رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای دشتی اظهار موافقت بفرمایند.

(جمعی برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای طباطبائی: پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) سطر اول این جور اصلاح شود در صورتیکه بهای پرداختی بصاحب اصلی ملک پیش از سی هزار ریال نباشد. طباطبائی.

نایب رئیس - بنده چون میل ندارم در بین نطق آقایان تذکری عرض کرده باشم این است که قبلاً خواهش میکنم آقایان مراعات ماده ۶۳ را در موقع دادن توضیحات بفرمایند که در موقع نطق بنده مجبور نشوم عرضی بکنم. آقای طباطبائی طباطبائی - یک پیشنهاد دیگر هم بنده داشتم آنرا هم بفرمائید قرائت کنند که توضیح هر دورا عرض کنم.

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر آقای طباطبائی.

در قسمت ب بجای مبلغ سی هزار ریال نوشته شود پنجاه هزار ریال.

طباطبائی - عرض کنم بنده این پیشنهادی را که کردم برای صحبت ها و مذاکراتی است که در اطراف این مبلغ شد که سی هزار ریال بگیرند یا بگیرند این لایحه املاک هم قبلاً باید عرض کنم که آقایان توجه بفرمایند باین شرط لایحه تنظیم شده و آمده که یک هیئتی برای رسیدگی تشکیل شود یعنی قبل از رسیدگی قبل از اینکه یک شکایت نامه بدهند و یک مراحلی را طی کنند بهیچکس هیچ چیز داده نخواهد شد خود املاک هم دو قسمت است یک قسمت املاکی است که همانطور که آقای ملک مدنی هم الآن تذکر دادند به ملکیت دولت باقی میماند برای اینکه باطرز معامله صحیح بوده است پس با اینکه فروشنده و صاحب اصلی نیست و در طی مرور زمان و گذشتن مدتی از بین رفته است و اینگونه املاک به ملکیت دولت باقی خواهد ماند قسمت دیگر که پس داده میشود بعد از رسیدگی است یعنی آنیکسی که خودش را ذیحق میدانند عرض حال میدهد و به عرض حال او رسیدگی میشود اگر ذیحق بود باو رد میکنند و بر میگردداند بنابراین اصلاً بنده نفهمیدم معنی ارفاقی با بخشیدن یا مفت دادن کجا نومی این لایحه است کجا مورد دارد به کی میخواهند اصلاً مفت یا اعطاء کنند یا به بخشند؟ بنده آمدهام می گویم که فلان ملک یکدانک سه دانک شده انک مال من بوده است پس بدهید بصرف اظهار که پس نمی دهند اگر به صرف اظهار پس می دادند البته این فرمایشات صحیح بود ولی اینطور که نیست باید رسیدگی کنند پرونده را

می خواهند اسناد را میخواهند سابقه تصرف را می خواهند و وارد می شوند اگر ثابت شد که من حق دارم به من پس می دهند. این مسئله اساسی که اینجا مطرح شد که مردم را باید تشویق کرد به کلن کردن و زحمت کشیدن و هیچ کس هم فکر نکند که برایگان می شود چیزی گرفت اصلاً موردش اینجا نیست اینجا مورد بخصوصی است شاید دو هزار سال تاریخ را هم که نگاه کنید یک همچو چیزی شاید مورد نداشته باشد یا شاید کمتر پیدا شود یک چنین معاملاتی که شده است (صحیح است) این سه هزار تومان که سی هزار ریال گفته می شود به نظر خیلی بزرگ می آید برای این است که یک ملکی از شخصی گرفته اند و غصب کرده اند و عوایدش را برده اند حالا بعد از سالهای سال تا کی آمده است عرض حال داده و ثابت شده است که ذیحق است سه هزار تومان میخواهند ازش بگیرند (نقابت - تاسه هزار تومان) بلی تاسه هزار تومان و این یک مفری است که دولت پیدا کرده است برای اینکه شما می گوئید غصب وقتی غصب است هر چه که متعلق بغصب است باستی بر گردد به صاحبش دولت وقتی خودش را در محظور می بیند و یک دیوانه هائی یک سنگ هائی در یکچاه هائی انداخته اند که حالا ما هر چه سعی می کنیم نمیتوانیم بیرون بیاوریم فقط یک راهی برای اینکار پیدا کرده اند و گفته اند عوض اجرت - المثل و خسارت و عوض هزاران بد بختی و بیچارگی که باو وارده شده است سه هزار تومان از او بگیرند و این ببعوض کمی است که باسم ارفاق و رعایت حال خرده مالک بخواهید در اینماده بکنجایند و باید توجه بفرمائید که اصلاً این مال مال دولت نیست که گفته می شود مال دولت را به کی بدهیم در این معامله هم بنده قطع دارم که دولت مقبول نخواهد شد و ضرر نمیکند وقتی که باقی و فاضل کرد باز یکمبلی میبیند که در جیب دولت هست. اما آن پیشنهادی که بنده تقدیم کردم که عوض (فروشنده ملک) نوشته شود (بمالک اصلیش) چون فروشنده نیست اگر واقعاً مالک او فروخته و خریداری شده است معامله صحیح است و دیگر

چه چیزی را پس بدهند به کی بدهیم در صورتیکه اصل منظور مجلس شورای ملی احقاق حق است اگر ملک است که الآن در بد دولت است و صاحب دیگری دارد که صاحب اصلی شرعی او است همان را پیدا کنید و بهش بدهید و اگر اینطور نیست ندهید. بنا بر این بنده برای حفظ این نکته اینطور پیشنهاد کردم که نوشته شود به صاحب اصلی ملک پس داده میشود و اما اینکه پیشنهاد کردم تا بنده از ریال البته علاقه باین مبلغ ندارم این پیشنهاد را فقط کردم که توضیح بدهم در اطراف آن سی هزار ریال و حالا استرداد میکنم

نایب رئیس - هر دو پیشنهاد را استرداد میکنید؟

طباطبائی - بلی هر دو را استرداد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم بند ۱۴ مقرری اصلاح شود در صورتیکه بهای پرداختی بفروشنده ملک خریداری شده بیش از سی هزار ریال نباشد ملک فروشنده یا کسیکه متصرف حین انتقال شخص است بپردازد و اگر بپردازد بهای پرداختی در یافت میگردد مشروط بر اینکه ساختمان مهم یا تغییرات اساسی در آن داده نشده باشد که در این صورت تفاوت بهای حقیقی ملک مطابق وضعیت روز انتقال پرداخته خواهد شد

دهستانی - پیشنهاد حذف را هم بخوانند

نایب رئیس - آن پیشنهاد حذف در موقع رأی تکلیفش معلوم میشود و قابل رأی نیست. در پیشنهادی که خوانده شد توضیح دادید بفرمائید

دهستانی - اولاً آقای نقابت یک تذکری راجع به گذشته فرمودند که بنده وارد بحث و جواب این قسمت نخواهم شد و نظر تمام نمایندگان گمان این است که در حقیقت احقاق حق بشود و سعی و گفتگو و پیشنهاداتی که از طرف مستحوم تقدیم میشود فقط و فقط روی این نظر است و نظر خصوصی از طرف هیچ کس نیست ولی قانون طوری تنظیم شده است که تبعیضی قائل شده باین معنی که اشخاصی را که بدون معامله مالکشان را غصب کرده اند برای اجرت -

داشته باشند پس از رسیدگی بشکایات آنها از محل همین املاک رفع ادعا بشود پس این عین فرمان پادشاه فعلی ما است بنابراین يك چیز زائیدی نبودست و آن عنوان مورد ندارد که بگویند ضمن العقد شرط شده است ضمن العقد شرطی نشده است و اگذار شده است برای رفاهیت مردم و بنده پیش از این عرضی ندارم و امیدوارم آقای وزیر دادگستری توجه بفرمایند که این سه هزار ریال حذف شود.

نایب رئیس - آقای انوار .

انوار - آقای اوحدی يك شخص مبرزی هستند در عین اینکه میخواهند کمک کنند در عین حال ضرر مبرسانند برای خاطر اینکه املاکی که غصب شده بنابر اطلاعی که دارم کمتر آنها دارای سه هزار تومان است مثلاً يك ملك شش دانگی را که خریده اند آمده اند در حدود این املاک يك جاهائی را هم غصب و تصرف کرده اند و آنچه هاسه هزار تومان منافع نداشته و باعتبار حدود در نظر گرفته اند باین صحبت هائی که شد توافق شد که ما بیائیم نسبت باینهائی که املاک آنها در آن حدود ملك خریداری بوده و غصب شده سه هزار تومان برای آنها قائل شویم که تا این مبلغ داده شود این اولاً ثانیاً بعد از ۱۳۲۰ از آنوقت تاکنون کسی چیزی گیرش نیامده است بنده تحقیق کرده ام آقایان از مازندرانى ها اطلاع ندارند که بچه زحمات و ابتلائی افتاده اند و بنده موافقم این موضوع بيك صورتی در آید که اگر صد هزار تومان هم باشد بدهند ولی از شهریور ۱۳۲۰ به بعد میدانم چیزی گیر کسی نیامده تا اینکه بیایند و بیان کنند و بدهند پس عقیده بنده این است آنچه که کمیسیون پیشنهاد کرده و دولت هم موافقت نموده این به حال آنها نافع است و این چیزی که آقای اوحدی میگویند با آن بیان شفافی و کافی و غمخواری کردند عملی نیست .

نایب رئیس - نظر آقای مخبر کمیسیون چیست ؟

مخبر - دو مرتبه قرائت شود .

( مجدداً خوانده شد )

اعتبار - اینکه قابل رأی نیست پیشنهاد حذف است .

عمل شود و اگر آقایان موافقت بفرمایند نظر هر دو قسمت تأمین شده است .

نایب رئیس - آقای دشمنی هم يك پیشنهادی فرموده اند مطابق همین پیشنهاد آقای اعتبار است خوانده میشود که توضیح بدهند .

پیشنهاد آقای دشمنی .

بنده پیشنهاد میکنم بجای بند ب اینطور نوشته شود ب - اشخاص بی بضاعت که بهای ملك آنها تا سی هزار ریال باشد میتوانند بهای بازخرید ملك خود را تا ده سال بپردازند اعتبار - بنده هم موافقم با این پیشنهاد .

دشمنی - بنده اینجا میخواستم از این حق توضیح استفاده کنم و يك سوء تفاهمی که در عرایض جلسه قبل من هست عرض میکنم و آن این است که در بند الف آقایان توجه نکردند که بند الف ناظر بتمام املاک نیست بند الف راجع بآن قسمت مختصری از املاک بود که مجلس اعتراف میکند که بطور غصب بوده است یعنی معامله ای نکرده اند تمام املاک را که بعنوان غصب برده اند . صورت معامله دارد اغلب آنها و من بموجب این قانون آنها را غصب نمیدانم يك ملكی بوده است مال پادشاه سابق باعلیه حضرت فعلی داده اند آن هم بدولت و اگذار کرده است و بدولت هم تصدیق میکنند مال اشخاص بوده است دو مرتبه بآنها واگذار میکند بند الف ماده ۱۴ بعنوان کسانی است که ادعای غصب دارند بآنها واگذار میکنند این عنوان عمومی املاک نیست فقط يك عده کوچکی از این املاک هست که مجلس آنها را عنوان غصبیت قرار داده بنده الف از ماده ۱۴ املاک را معامله نکرده اند البته کم است دلیل هم گفتیم وقتی که مجلس اعتراف میکند باینکه غصب است باید تمام محصول و منافع آنها را بهشان بدهند یعنی ما به الثمن آنها را بدهد نسبت باین قسمت است نه تمام املاک بعضی از رفق آمدند از بنده میپرسیدند که تو دو نظر متناقض داری از يك طرف میگوئی تا سی هزار ریال را از مردم بگیرند و اما از آنطرف میگوئی این املاک را همینطور بدهند و حال آنکه نظر بنده اینطور نیست

در قسمت بند الف راجع بيك قسمت محدودی است باید مال دولت مال دولت و مال مردم مال مردم باشد نه اینکه از يك طرف حاکم بخشی کنیم از يك طرف مال مردم را بدهیم باید مجلس عادل باشد و مجلس شورایی ملی باید مظهر عدالت و حقگذاری باشد در قسمت بند الف آنچه که مجلس تصدیق کرده است این است که يك ملكی را غصب کرده اند و غصباً در بد شما است و حالا شما میخواهید پس بدهید میگویند تا سه هزار تومان اگر غصبی است تا هر اندازه که عوایدش هست باید بدهند هر قدر باشد و از آنطرف املاکی که مال دولت است يك املاکی که مال تمام ملت است چرا بدهیم بيك اشخاصی دیروز آقایان وقت در اینجا صحبت کردند و خواستند دفاع کنند از لایحه و توجیهی صحبت کردند که ما میخواهیم باینجهان املاک را اصول مقتضوری سوئی بدهیم وقت خوری را ترویج بدهیم ما میگوئیم اصلاً این پرنسپ این ملك را اینطور دادن این تریج اصول مقتضوری است شما يك ملكی را همینطور بدهید برای اینکه مال ما نیست این حق مال مملکت است و باید تصرف تمام کشور برسد بنا بر این بنده از آقایان میبندم که استعفا میکنند که توجه باین عرایض میکنند که این پول مال ما نیست که حاکم بخشی میکنیم و سی هزار ریال را بدهیم بيك اشخاصی و بر حسب اظهار خود آقای وزیر دادگستری این قسمت از املاک شامل صدی هفتاد از املاک خواهد بود یعنی اگر املاک ششصد میلیون باشد چهارصد میلیون را میماند اما ممکن است ما کمات کنیم بنا بر این بنظر بنده و آقایان نه این است که صاحبان املاک کوچک و خرده مالک را بدهند نه بهشان بدهند و ده ساله ازشان بگیرند پانزده ساله بگیرند بالاخره این پول را ازشان بگیرند که بالاخره این پول بصرفه تمام مملکت تمام شود .

وزیر دادگستری - در قسمت بند الف بنده وارد نمیشوم چون گذشته است راجع باین پیشنهاد هم که شده است بنده آن مرتبه عرض کردم موافقم منتهی مدت ده ساله که آقایان پیشنهاد میکنند خیلی زیاد است و در تبصره ذکر شده که پنجسال باشد .

اعتبار - پس قبول کردید که پنجساله باشد .

**طباطبائی** - پیشنهاد بند مخالف با این پیشنهاد است .

**نایب رئیس** - عرض کنم این قسمت پنجسال با اینکه

آقایان پیشنهاد کرده اند باهم اختلاف دارد .

**دشتی** - ما هم موافقیم .

**وزیر دادگستری** - قسمت پنج سال را همینطور بطور

کلی قبول کردیم که اشخاصی که نتوانند از عهده پرداخت

برایند پنجساله بتوانند مسترد نمایند اینجا پیشنهاد آقایان

مربوط باین است که این سی هزار ریالی که اینجا معاف

کردیم برداشته شود و اینها هم همه مشمول آن مدت بشوند

که بتوانند با قسط بپردازند بنده عرض کردم اصولاً قبول

دارم .

**نایب رئیس** - یعنی نظر آقای وزیر دادگستری این است

که سی هزار ریالی را که پیشنهاد کرده بودید بخشیده شود

حالا آقایان پیشنهاد کردند که آن سی هزار ریال ده ساله

گرفته شود . مقصود این پیشنهادها این است . آقای دکتر

**جوان عضو کمیسیون هستید ؟**

**دکتر جوان** - خیر .

**نایب رئیس** - آقای دکتر تاج بخش عضو کمیسیون

هستید ؟

**دکتر تاج بخش** - خیر .

**نایب رئیس** - البته نظامنامه را ملاحظه فرموده اید که

در پیشنهادات فقط عضو کمیسیون میتواند صحبت کند . آقای

انوار .

**سید یعقوب انوار** - بنده نمیدانستم آقای وزیر باین

سهلی هستند . ما کاری کردیم در کمیسیون و صحبت کردیم

یک املاکی هست که سه هزار تومان چهار هزار تومان در واقع

قیمتش است در واقع مال طبقات سوم و چهارم است نه

طبقات اول و دوم که دارای تمول و زنگانی باشند از این

نظر هم وزیر مالیه سابق که در آنجا رفته بررسی و رسیدگی

کرده بود و مواعیر مردم را دیده بود آمد راپرت داد و هم از

بیانات خودتان در کمیسیون که صحبت کردیم و بنا بر این شد

کنند و بگوئیم که بطور اقساط گرفته شود حالا تکلیف ب

خود آقایان است موافقت کنند که زودتر بگذرد .

**مخبر** - بنده از آقای اعتبار مخصوصاً استدعا دارم که

نوجهی بفرمایند که قرار بر این شد مذاکرات سابقه را ما

تکرار نکنیم یعنی آن مسائلی را که آقایان در بدو افتتاح

دوره سیزدهم بیان کردند و شاید تا حدی هم با عین ملاحظه

که در گفتارشان بود باز هم خیلی وسیع بود آنها را تکرار

نکنند زیرا دولت که این لایحه را تکمیل کرد و در آنجا

بیست هزار ریال هم ذکر کرده از رقم بیست هزار ریال مورد

موافقت دولت یک اتخاذ سندی کردیم که وقتی که دولت قصد

میکند که تا بیست هزار ریال معاف پس جریان خریداری

املاک یک طوری بوده است که اقتضا دارد ما رعایت کنیم و

بگوئیم که اوبتمام استحقاق پرداخت نشده آقای دکتر سمعی

البته اطلاع دارند که یک خریدهایی شده مثلاً مرانی که

فروش بفرمائید هزارها حشم در آنجا میفرقتند به پانزده تومان

یا صد و پنجاه و پنج ریال خریده اند در همان سال دو بیست و

پنجاه تومان بمالک همانجا اجاره داده اند در همان سال اول

خریداری با سند رسمی اجاره نامه هم باشند رسمی هر دو اش

هم حاضر است هر کس هم منکر است از آقایان بنده اثبات

میکم ۲۷ تومان فلان مزرعه فلان پیرزن فلان مزرعه اشخاص

یتیم و یتیم خریداری شده با ۲۷ تومان با چهل تومان با

پنجاه تومان و بعد در همان سال دو برابر و سه برابر عایدات

همان ملک بوده و پول هم بتمام شرحی که در سنه نوشته شده

پرداخت نشده است با این اوضاع و احوالی که هست یک

طرف بوسیله داسوزی و بعنوان طرفداری از ضعفاء و فقرا و

خرده مالک اینجا اظهار احساسات میشود که خوب است

پول فقرا را ما اینجا پس بدهیم حالا باز بگوئیم که چون

این پانزده تومان کمتر از سی هزار ریال است این را بیا و

باقساط بما پس بنده خوب نیست آقا (جمعی از نمایندگان -

صحیح است) ما نگفتیم که سه هزار تومان را همه را پس

بدهیم گفتیم تا سی هزار ریال و البته اداره املاک که آقای

وزیر دادگستری چند نفر از قضات مبرز را مأمور کرده اند

ورفته اند و بر رنده ها و دفاتر را دیده اند و گزارش داده اند

بنابر این گزارشها دوات وضعیت معاملات را دقت کرده از روی

آن وضعیت معاملات خودشان موافقت کرده اند تا بیست هزار

ریال را که خرده مالکین بیست تومان و سی تومان و چهل

تومان از مردم گرفته نشود علت این است که ملاحظه

فرمائید چه جور میگرفتند مثلاً فروش بفرمائید در یک

ناحیه ای یک صد تا خرده مالک است میگفتند تا آن حدودی

که چشم کار میکنند با سستی جز املاک باشد آنوقت می آمدند

نگاه میدادند میدادند که این خانه مال ورثه است مال

یک اشخاص بیچاره است آنوقت آن مباشر این صورتهای را

باقیلام ریز میفرستاد بظهران جمع این صورتهای میشد فروش

بفرمائید بیست هزار تومان میگفتند فلان مقدار بخرید

این را نه میدادند مال کجاست نه دیده بودند اینرا گفتیم

بعنوان معافیت چیزی گرفته نشود . در همین روزهای نزدیک

شهر نور یک واقعه ای را بنده عرض میکنم برای اطلاع در

نزدیکی همین امامزاده هاشمیه سر گذار بودیم عرض کنم یکی

از افسران دستور داده بود که آن خرده مالکین اطراف را

بیاورند آنجا آنها را آورده بودند افسر بیاده شد جمعیت را

دید گفت همه را بخرید این جمعیت خرده مالک مال

اطراف دعاوند بود همه را بخرید یعنی سف بستند بعد

آن مباشر بآن افسر گفت معلوم میشود که نو آخوندی

افسر بهش گفت سه افسر هستیم گفت اگر آخوندیستی تا

ظهر باید این کار تمام شود همه باید سند بدهند . (انوار -

حلال و طیب و مظاهرش باشد) اینها همه آمدند محضر دفتر

رسمی دعاوند اینها همه آمدند در آن محضر در دفتر آن

افسر نطقی کرد گفت من آخوندیستم و بشما میگویم که

این املاک باید برضایت باشد و هر کس راضی است امضاء کند

بدهد و هر کس ناراضی است نکند (ببیل سمعی - معلوم

میشود آخوند زاده بوده) یکی از آنها خیال کرد که اوراست

میگوید گفت که من راضی نیستم . همانجا بستندش بچوب

و نوی محضر چوب زدند تا راضی شد آنها را دیگر گفتند

راضی هستیم دولت حالا میخواهد اینها را دومرتبه بنام عدالت

همه را بخط کشد آقای وزیر داد گستری بایستند در سر همان  
 قتل نامه ها باشد بخط کشند و بگویند آقایان از سه هزار  
 تومان که داده تومان هر چه هست ما بخشیدیم (طباطبائی)  
 همین ارفاق است) صحبت ارفاق هم نیست اجازه بفرمائید  
 اگر کسی مرض شد و من غیر حق مجروح شد و او خودش  
 مصدوم و مجروح تکلیف طبیب معالج این است که بجراحت  
 او یک مرهمی بگذارد آقای بیست سال زحمت و خسارت و آزار  
 اجازه بدهید یک قدری یک مرهمی هم با این ده پانزده تومان  
 بیست تومان بآنها بگذاریم مال خارجی نیست مسائل اهل  
 ملکیت خودمان است که میخواهند بروند آنجا زراعت کنند  
 و بنده استدعا میکنم هم از آقای دشتی و هم از آقای اعتبار  
 لطفاً موافقت کنند و این پیشنهاد را پس بگیرند.

نایب رئیس - آقای وزیر هم که نسبت باین پیشنهادها  
 موافقت ندارند.

وزیر داد گستری - بنده عرض کردم تکلیفش را مجلس  
 معین کند.

یک نفر از نمایندگان - دوباره بخوانند.  
 نایب رئیس - پیشنهاد آقای دشتی مجدداً خوانده میشود  
 بنده پیشنهاد میکنم بجای بند (ب) اینطور نوشته شود  
 ب - اشخاص بی بضاعت که بهای ملک آنها تا سی هزار  
 ریال باشد میتوانند بهای باز خرید ملک خود را تا ده سال  
 بپردازند. دشتی

نایب رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای دشتی  
 آقای اعتبار هم که موافقت.

اعتبار - بلی  
 نایب رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای دشتی اظهار  
 موافقت بفرمایند.

(جمعی برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای طباطبائی:  
 پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) سطر اول این جور اصلاح  
 شود در صورتیکه بهای پرداختی بصاحب اصلی ملک بیش از  
 سی هزار ریال نباشد. طباطبائی.

می خواهند اسناد را میخواهند سابقه تصرف را می خواهند  
 و وارد می شوند اگر ثابت شد که من حق دارم به من پس  
 می دهند و این مسئله اساسی که اینجا مطرح شد که  
 مردم را باید تشویق کرد به کار کردن و زحمت کشیدن و  
 هیچ کس هم فکر نکند که بر اینگان می شود چیزی گرفت  
 اصلاً موردش اینجا نیست اینجا مورد بخصوصی است شاید  
 دو هزار سال تاریخ را هم که نگاه کنید یک همچو چیزی  
 شاید مورد نداشته باشد یا شاید کمتر پیدا شود یک چنین  
 معاملاتی که شده است (صحیح است) این سه هزار تومان  
 که سی هزار ریال گفته می شود به نظر خیالی بزرگ  
 می آید برای این است که یک ملک از شخصی گرفته اند و  
 غصب کرده اند و عوایدش را برده اند حالا بعد از سالهای سال  
 شاکی آمده است عرض حاکم دلتان و ثابت شده است که ذبح  
 است سه هزار تومان میخواهند از شما بگیرند (نقابت - تاسه  
 هزار تومان) بلی تاسه هزار تومان و این یک مفری است که دولت  
 پیدا کرده است برای اینکه شما می گوئید غصب وقتی که  
 غصب است هر چه که متعلق بغصب است بایستی برگردد به  
 صاحبش دولت وقتی خودش را در محظور می بیند و یک  
 دیوانه هائی یک سنگ هائی در یک جاه هائی انداخته اند که  
 حالا ما هر چه سعی می کنیم نمیتوانیم بیرون بیاوریم فقط  
 یک راهی برای اینکار پیدا کرده اند و گفته اند عوض اجرت -  
 المثل و خسارت و عوض هزاران بد بختی و بیچارگی که باو  
 وارد شده است سه هزار تومان از او بگیرند و این یک عوض  
 کمی است که باسم ارفاق و رعایت حال خرده مالک میخواهند  
 در این ماده بگنجایند و باید توجه بفرمائید که اصلاً این  
 مال مال دولت نیست که گفته می شود مال دولت را به کی  
 بدهیم در این معامله هم بنده قطع دارم که دولت مقبول  
 نخواهد شد و ضرر نمیکند و قتی که باقی و فاضل کرد باز  
 یک مبلغی میبندد که در جیب دولت هست. اما آن پیشنهادی  
 که بنده تقدیم کردم که عوض (بفروشنده ملک) نوشته شود  
 (بمالک اصلیش) چون فروشنده نیست اگر واقعاً مالک را  
 او فروخته و خریداری شده است معامله صحیح است و دیگر

چه چیز را پس بدهند به کی بدهیم در صورتیکه اصل منظور  
 مجلس شورای ملی احقاق حق است اگر ملک است که الان  
 در بد دولت است و صاحب دیگری دارد که صاحب اصلی  
 شرعی او است همان را پیدا کنید و بهش بدهید و اگر اینطور  
 نیست بدهید. بنا بر این بنده برای حفظ این نکته اینطور  
 پیشنهاد کردم که نوشته شود به صاحب اصلی ملک پس داده  
 میشود و اما اینکه پیشنهاد کردم تا اینجهز از ریال البته علاقه  
 بهین مبلغ اندازه این پیشنهاد را فقط کردم که توضیح بدهم  
 در اطراف آن سی هزار ریال و حالا استرداد میکنم

نایب رئیس - هر دو پیشنهاد را استرداد میکنید؟

طباطبائی - بلی هر دو را استرداد میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای دهستانی:

پیشنهاد میکنم بند ۱۴ از ماده ۱۴ بقرار زیر اصلاح شود  
 ب - در صورتیکه بهای پرداختی بفروشنده ملک خریداری  
 شده بیش از سی هزار ریال نباشد ملک بفروشنده یا کسیکه  
 متصرف حین انتقال تشخیص گردد و اگر گذار میشود و بهای  
 پرداختی دریافت میگردد مشروط بر اینکه ساختمان مهم  
 یا تعمیرات اساسی در آن داده نشده باشد که در این صورت  
 تفاوت بهای حقیقی ملک مطابق وضعیت روز انتقال پرداخته  
 خواهد شد

دهستانی - پیشنهاد حذف را هم بخوانند

نایب رئیس - آن پیشنهاد حذف در موقع رأی تکلیفش  
 معلوم میشود و قابل رأی نیست. در پیشنهادی که خوانده شد  
 توضیح دادید بفرمائید

دهستانی - اولاً آقای نقابت یک تذکری راجع به  
 گذشته فرمودند که بنده وارد بحث و جواب این قسمت  
 نخواهم شد و نظر تمام نمایندگان این است که در حقیقت  
 احقاق حق بشود و سعی و گفتگو و پیشنهاداتی که از طرف  
 عموم تقدیم میشود فقط و فقط روی این نظر است و نظر  
 خصوصی از طرف هیچ کس نیست ولی قانون طوری تنظیم  
 شده است که تبعیضی قائل شده باین معنی که اشخاصی را  
 که بدون معامله مالکشان را غصب کرده اند برای اجرت -



... در این معاملات فروشنده گرفتار است پس ندهد  
 پس باید صد هزار تومان را هم پس ندهد و اگر نظایر رعایت  
 است و خواهند فرمود که این املاک سه هزار تومان مال  
 اشخاص بی بضاعتی بوده است پس غایت اینست که پول را پس  
 ندهند چه خواهد بود اگر خواهند گفت که در آمد داشته  
 است این ملک خوب بنده هم عرض میکنم که آن پول هم  
 در آمد داشته است پس این اعمیض و این فرق برای چیست  
 و چه فرقی است بین آن ملک صد هزار تومانی با آن ملک  
 سه هزار تومانی باید آنچه را که اشخاص میدهند غصب  
 است و مطابق قانون بقا و غصب بردماند باید اجرت المثل  
 بدهیم و بنده پیشنهاد کرده که هر کس هر پولی گرفته  
 است باید پس بدهد حالا بسته است بنظر آقایان  
 محترم - عرض کنم آقای دهستانی تحت عنوان اینکه  
 نظر مجلس احقاق حق است استدلال بر خلاف حق فرمودند  
 البته نظر مجلس احقاق حق بود و با توضیحاتی هم که بنده  
 عرض کردم بخواستم تریبی از گذشته کرده باشم و خواستم  
 تملق از يك دستگامی گفته باشم آنچه پیش از وقت هم  
 گفته روی ایمان و حقیقت بود و حالا هم روی ایمان  
 می گویم و به همین جهت هم زلد گامی امثال غالباً دچار  
 آزرل است برای این که عقاید خودشان را می گویند و  
 بعد اذ آن مختلف با آن اظهار عقاید سازگار نیست و  
 می بر می خورد با يك چیز هسانی و نمی پسندید ولسی  
 بعضی ها در يك نظر نمی مانند و با هر قسمتی که پیش  
 می آید موافقت می کنند و این را بالاس حیاتی میگویند  
 به هر صورت بنده نظری ندارم و عرض کردم همیشه در

... در این معاملات فروشنده گرفتار است پس ندهد  
 پس باید صد هزار تومان را هم پس ندهد و اگر نظایر رعایت  
 است و خواهند فرمود که این املاک سه هزار تومان مال  
 اشخاص بی بضاعتی بوده است پس غایت اینست که پول را پس  
 ندهند چه خواهد بود اگر خواهند گفت که در آمد داشته  
 است این ملک خوب بنده هم عرض میکنم که آن پول هم  
 در آمد داشته است پس این اعمیض و این فرق برای چیست  
 و چه فرقی است بین آن ملک صد هزار تومانی با آن ملک  
 سه هزار تومانی باید آنچه را که اشخاص میدهند غصب  
 است و مطابق قانون بقا و غصب بردماند باید اجرت المثل  
 بدهیم و بنده پیشنهاد کرده که هر کس هر پولی گرفته  
 است باید پس بدهد حالا بسته است بنظر آقایان  
 محترم - عرض کنم آقای دهستانی تحت عنوان اینکه  
 نظر مجلس احقاق حق است استدلال بر خلاف حق فرمودند  
 البته نظر مجلس احقاق حق بود و با توضیحاتی هم که بنده  
 عرض کردم بخواستم تریبی از گذشته کرده باشم و خواستم  
 تملق از يك دستگامی گفته باشم آنچه پیش از وقت هم  
 گفته روی ایمان و حقیقت بود و حالا هم روی ایمان  
 می گویم و به همین جهت هم زلد گامی امثال غالباً دچار  
 آزرل است برای این که عقاید خودشان را می گویند و  
 بعد اذ آن مختلف با آن اظهار عقاید سازگار نیست و  
 می بر می خورد با يك چیز هسانی و نمی پسندید ولسی  
 بعضی ها در يك نظر نمی مانند و با هر قسمتی که پیش  
 می آید موافقت می کنند و این را بالاس حیاتی میگویند  
 به هر صورت بنده نظری ندارم و عرض کردم همیشه در

... در این معاملات فروشنده گرفتار است پس ندهد  
 پس باید صد هزار تومان را هم پس ندهد و اگر نظایر رعایت  
 است و خواهند فرمود که این املاک سه هزار تومان مال  
 اشخاص بی بضاعتی بوده است پس غایت اینست که پول را پس  
 ندهند چه خواهد بود اگر خواهند گفت که در آمد داشته  
 است این ملک خوب بنده هم عرض میکنم که آن پول هم  
 در آمد داشته است پس این اعمیض و این فرق برای چیست  
 و چه فرقی است بین آن ملک صد هزار تومانی با آن ملک  
 سه هزار تومانی باید آنچه را که اشخاص میدهند غصب  
 است و مطابق قانون بقا و غصب بردماند باید اجرت المثل  
 بدهیم و بنده پیشنهاد کرده که هر کس هر پولی گرفته  
 است باید پس بدهد حالا بسته است بنظر آقایان  
 محترم - عرض کنم آقای دهستانی تحت عنوان اینکه  
 نظر مجلس احقاق حق است استدلال بر خلاف حق فرمودند  
 البته نظر مجلس احقاق حق بود و با توضیحاتی هم که بنده  
 عرض کردم بخواستم تریبی از گذشته کرده باشم و خواستم  
 تملق از يك دستگامی گفته باشم آنچه پیش از وقت هم  
 گفته روی ایمان و حقیقت بود و حالا هم روی ایمان  
 می گویم و به همین جهت هم زلد گامی امثال غالباً دچار  
 آزرل است برای این که عقاید خودشان را می گویند و  
 بعد اذ آن مختلف با آن اظهار عقاید سازگار نیست و  
 می بر می خورد با يك چیز هسانی و نمی پسندید ولسی  
 بعضی ها در يك نظر نمی مانند و با هر قسمتی که پیش  
 می آید موافقت می کنند و این را بالاس حیاتی میگویند  
 به هر صورت بنده نظری ندارم و عرض کردم همیشه در

... در این معاملات فروشنده گرفتار است پس ندهد  
 پس باید صد هزار تومان را هم پس ندهد و اگر نظایر رعایت  
 است و خواهند فرمود که این املاک سه هزار تومان مال  
 اشخاص بی بضاعتی بوده است پس غایت اینست که پول را پس  
 ندهند چه خواهد بود اگر خواهند گفت که در آمد داشته  
 است این ملک خوب بنده هم عرض میکنم که آن پول هم  
 در آمد داشته است پس این اعمیض و این فرق برای چیست  
 و چه فرقی است بین آن ملک صد هزار تومانی با آن ملک  
 سه هزار تومانی باید آنچه را که اشخاص میدهند غصب  
 است و مطابق قانون بقا و غصب بردماند باید اجرت المثل  
 بدهیم و بنده پیشنهاد کرده که هر کس هر پولی گرفته  
 است باید پس بدهد حالا بسته است بنظر آقایان  
 محترم - عرض کنم آقای دهستانی تحت عنوان اینکه  
 نظر مجلس احقاق حق است استدلال بر خلاف حق فرمودند  
 البته نظر مجلس احقاق حق بود و با توضیحاتی هم که بنده  
 عرض کردم بخواستم تریبی از گذشته کرده باشم و خواستم  
 تملق از يك دستگامی گفته باشم آنچه پیش از وقت هم  
 گفته روی ایمان و حقیقت بود و حالا هم روی ایمان  
 می گویم و به همین جهت هم زلد گامی امثال غالباً دچار  
 آزرل است برای این که عقاید خودشان را می گویند و  
 بعد اذ آن مختلف با آن اظهار عقاید سازگار نیست و  
 می بر می خورد با يك چیز هسانی و نمی پسندید ولسی  
 بعضی ها در يك نظر نمی مانند و با هر قسمتی که پیش  
 می آید موافقت می کنند و این را بالاس حیاتی میگویند  
 به هر صورت بنده نظری ندارم و عرض کردم همیشه در

برای خودش فراهم کند بنده خواستم تقاضا کنم که آقای وزیر با این پیمانه موافقت بفرمایند که نسبت باین اشخاص بانک ارفاق بشود.

**وزیر دادگستری** - فرمایش آقای ملک مدنی البته صحیح است و خوبست نسبت به این قبیل اشخاص کمک و مساعدت بشود بسانک کشاورزی هم اساساً برای همین منظور تشکیل شده است که کمکهائی بکنند و اینها شاید اجلای افرادی هستند که باید بهشان کمک بشود ولی این تکلیف بنظر بنده در اینجا مناسب نیست چون این تکلیف مربوط به بانک کشاورزی است که امده شود در این قانون گنجانده ولی البته همینطور که فرمودند کمک میشود که بانک کشاورزی این مساعدتی را که فرمودند بآنها بکنند.

**ملک مدنی** - بنده پیشنهادم را استرداد میکنم خواستم این موضوع را تذکر بدهم.

**نایب رئیس** - پیشنهاد آقای اورنگ :

در بند ب پیشنهاد میکنم بجای سی هزار ریال بیست هزار ریال قید شود.

**نایب رئیس** - آقای اورنگ.

**اورنگ** - بنده قصدم از این پیشنهاد صرف برای این بود که دو سه کلمه که در اطراف این موضوع است عرض کرده باشم و آن این است که بخاطر دارم که هفت ماه است با چند روز کم با چند روز زیاد این لایحه به مجلس تقدیم شده و تصدیق میفرمایند که در هفت ماه قبل محصول مخصوصاً در قسمت شمال هنوز بدست نیامده بود یعنی اگر ما آوقت که این لایحه تقدیم مجلس شد تصویب میکردیم بقول یکی از آقایان خلعت بری بود یا یکی دیگر که گفتند چهل و چند میلیون مدخول این املاک است این چهل و چند میلیون مدخول این املاک از بین میرفت و تفریط نمیشد و در اثر اطلاعی که من شخصاً دارم این محصول امسال با بکلی از بین رفته است یا قسمت مهمش تفریط شده است باین معنی که رعایای مقیم در دهات که به عمال و مباشرین محصول دادند و نه بدبگران و اینهم که یک سوء تفاهمی بین رفقا پیدا شد که

خیال فرمودند بکسی بدهیها رفته اند این املاک را با حق کرده اند این جور نیست رعایای آنها هم بخواهند محصول را بدهند مالک گفت اگر بمن بدهی من بستم بدهم بانک مقصداری هم گرفته اند و بانک رسیدی هم داده اند ولی حقیقت این است که اصل مدخول و محصول از بین رفته است اگر ملاحظه بفرمائید که صندوقی برای این کارها است در جوف آن صندوق چیزی نیست و حالا در ضمن عمل مشاهده میکنم که در مجلس دو جریان حاد است بانک قسمت را عقیده این است که اصلاً این املاک را ندهند بکسی تا به دفع بانک کشاورزی ضبط کنند یا به نفع مملکت اعده نوزمانندگان چنین عقیده نیست اصحیح و سقیم را کار ندازه و از مدخول و محصول این املاک ادعای غبن مردم چیره و جبران شود بانک نظر این بود یک قسمتهائی نظرشان این بود که علاوه بر آنکه عین این املاک رد میشود مدخول و محصولش هم از زمان تصرف حساب شود تا این حین که وقت دادش است تا حالا خیر تا وقت تحویل دادن حساب مدخول و محصولش هم بشود و مدخول و محصولش را روی ملک بگذارند و تقدیم این آقا بکنند بعضی میگویند این املاک غصب است غصب یعنی عدم رضایت معنی غصب یک کلمه است دو کلمه نیست بهر حال حالا که از این آدم که با عدم رضایت ملکش را گرفته اند یک وقت نوشته هم میگیرفتند و یک وقت هم نمیگیرفتند این البته ملکش را گرفته هر دو یکی است که هر دو یک است و معانی دیگر یکی سود باشد تجارت دیگر این هر دو نظر بنا بر معتقد من در افسراط و تفریط قضیه واقع است هم آن طرف قابل قبول نیست و هم اینطرف بعقیده بنده خوبست بهمین اندازه ما راضی شویم که املاکی را که بدون رضایت از مردم گرفته شده با یک صورت خوبی بصاحب ملک برسند اصل این قانون برای این است که یک حق بصاحبش برسد یعنی میخواهم حق بمن اله بالحق برگردد لکن همیشه ما در عمل مشاهده کرده ایم کسانی که حق ندارند یا کمتر حق دارند بیشتر داد میزنند در اینجا هم نمونه اش ملاحظه شد مشاهده فرمودید کسانی که حق نداشتند بیشتر ادعا داشتند

گر چیزی کسرو که نسبت به معیشت این اشخاص در نظر ما ابرار و گذارده باشم به اصول و اوقاف صحیح است و ما اعتقاد داشته باشیم بداشسته باشیم اصل در صحت خود نیست تنها ما هم اقرار داریم ولی این کاری که ما الآن میکنیم این مقدرت ما است این ممکن ما است ممکن است که امروز این ملک را با این کیفیت باین افراد بدهیم من اعتقاد این است که افضل بکنند از حرم بکنند باین بیچاره هائی که هفت ماه است ملک اینها را نگاه داشته ایم میگوئیم آفادل ما بسوزد اما ملک بماند بماند بماند هم منتظریم بانک میلیون هم پیدا کنیم و روی آن ملک بگذاریم بعد بدهیم میگوید خبر حالا ملک را بدهید بعد هر وقت بانک میلیون پول را پیدا بکنید بدهید حالا شرفیاب میشوم شما هم شرفیاب بیاورید بمن بدهید حالا سخن این است که همه اتفاق کنیم و مذاکرات را دیگر بکنند روی طی کرده باشیم و مختصر کنیم که زودتر این املاک بصاحبانش رسیده باشد این بود بیان بنده و علت این پیشنهاد و الا نه بایست هزار ریالش کار دارم و نه با ده هزار ریالش و الان هم استرداد میکنم.

**نایب رئیس** - آقای انوار پیشنهادی کرده اند که ماده ۶۳ تذکر داده شود.

( ماده ۶۳ قرائت شد )

ماده ۶۳ - اصلاحاتی کسه در ضمن شور نالوی پیشنهاد میشود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آنرا توضیح و استدلال میکنند و فقط اعضاء کمیسیون حق جراب دارند پس از آن مجلس در باب قبول توجه یا عدم قبول توجه رأی میدهد در صورت قبول توجه آن اصلاح بکمیسیون فرستاده میشود در باره این قبیل اصلاحات امدهتوان هماروزی که پیشنهاد شده است رأی داد.

**نایب رئیس** - این تذکری که داده شده صحیح است

نایب رئیس - آقای اورنگ

**اورنگ** - این پیشنهادی که بنده تقدیم کرده در خارج هم تذکر کرده بودم آقای وزیر دادگستری و آقایان اعضاء کمیسیون هم در ضمن معروضه کردند نظر ما هم همین است ولی چون بانک ابهامی بود بنده خواستم رفع بشود البته مجلس با آن پیشنهاداتی که داده شده موافقت کرد ما هم حرفی نداریم ما هم موافق هستیم با آن سی تومان و چهل تومانی که آقای محبر توضیح دادند ولی البته نظر این بوده و این نیست که بانک ملکی که به هفتاد سهم قباله شده ما سی هزار ریال را نسبت بهر سهم معاف نداریم منظور این بود چون این نظر را آقای وزیر دادگستری هم فرمودند که نیست و فرمودند نظر ما هم همین است که نو داری و آقایان اعضاء کمیسیون هم همینطور فرمودند بنده برای روشن شدن مطلب این پیشنهاد را کردم که ما بانک سی هزار ریال را میبخشیم و ارفاق میکنیم حالا ممکن است این سی هزار ریال بیات نفر برسد یا به پنج نفر این بود نظر بنده.

**محبر** - عرض میشود وقتی در بانک قضیه بصراعات تناسب میکنیم دو طرف دارد باید هر دو طرف تناسب را رعایت کرد از قدیم گفته اند در خانه مور ششمی طوفان است ما اگر نسبت بگیریم مور را با قبیل اختلافش بسیار است این جا

آقای اعتبار يك قیاسی میفرمایند که يك ملکي است شش دانگ در این شش دانگ هفتصد نفر خرده مالک فروشنده است بنابراین اینطور قیاس میکنند که هفتصد تا سه هزار تومان باید بدهیم هفتصد تا سه هزار تومان دومیون و صد هزار تومان این حساب درست نیست . . . اعتبار - کاملاً درست است حاضر من ثابت کنم .

مخبر - حساب حساب عدد است این خیلی روشن است بنده و حضر تعالی امیدوارم يك مورد خارجی در قضیه نداشته باشیم حساب هم حساب عدد است عدد هم خیلی زود روشن میکنند و زود میشود حساب کرد (خیلی متشکرم که داخل عدد بشوید روشن بشود) اولاً گفته شد برای ارفاق به خرده مالکین تا سی هزار ريال معاف شود بنده عرض کردم رقم کوچک زیاد است رقم پانزده تومان بنده عرض کردم وارد خصوصیات اجازه بدهید نشویم و الا اسم ده اسم مالک اسم خریدار اینهایی که کاغذ نوشته اند این مراسلاتی که رسیده است ( اینها را بنده بر حسب عادت ضبط کرده ام آقایان دور میزنند شاید اکثریت آقایان در حافظه نگاه داشته اند و بنده ضبط کرده ام) خیلی زیاد است از اینطرف شما قضاوت عادلانه شما با بستنی شمول داشته باشد نسبت به هر فردی از افراد این کشور حالا خواهی این ده هفتصد نفر زندگانی بکنند یا بکنند حکم قانون و کلیات همیشه متوجه میشود با افراد هر جامعه ای شما وقتی وارد بکنده می شوید می بینید يك مردی و دارای دو بچه و یک زن و سه تا بچم برادرش هست می پرسى که تو چقدر ملک داشتی او خواهد گفت که بنده دو تا مزرعه داشتم در اینجا و در آن موقع جزه اقسه شد و آنچه به خاطر می آید وقتی مأمور ثبت اسناد آمد آن جا که آن قر به کیا کلارا میله نصب بکنند میله اش اینجا نیست آن مأمور طناب هم نداشت راه افتاد با اتو موبیل و آن سروان سوار اتو موبیلش کرد و برد در یک فرسخ آن طرف تر میله را گذاشت بعد هم گفتند این هیچ جزه این نیست بعد هم مارتیم شکایت کردیم دستمان نرسید خواستیم يك تلگراف مخابره کنیم شهر نانی ما را خواست گفت غنغن است رئیس تلگرافخانه هم تلگراف

ما را گرفت پولش را هم گرفت اینهم قبضش است اما تلگراف مخابره نشد بگمورد داد خواهی را این مشهدی حسن برای شما خواهد گفت حالا نسبت باین مشهدی حسن من بگویم که چون این ده شما هفتصد تا مشهدی حسن دارد و هفتصد تا سه هزار تومان دو میلیون میشود ما ارفاق نمی کنیم درست است که این دو میلیون می شود ولی از آن طرف نسبت به افراد خرد کنید و بگوئید که در خانه مورث بنده طوفان است دو سر تناسب را نگاه کنید باید آن خرده مالکرا توجه کرد و نظری را که آقای اعتبار دارند و صحیح هم هست به این ماده باید نگاه و استناد کرد که اگر هر گاه کسی معاملات متعدد کرده باشد و مجموع پولها که گرفته زیاد تر از سی هزار ريال است بهش امید دهند ممکن است يك کسی باسی هزار ريال يك ملک فروخته است يك مرتبه فروخته است بکفایت که جفا فرودخته است تمام اینها را وقتی که حساب می کنیم می بینیم از سه هزار تومان بالا رفته اینهم مشمول نیست برای اینکه شخص او مورد نظر است شما جمع بزنید و اینطرف تناسب را نگاه کنید یعنی این حکم باید شمول داشته باشد بهر فردی و در باره هر فردی قضاوت بشود وقتی که خواهش می کنم هیچ تناسب ندارد بنده استدعای کنم آقایان صیبا هم بشوید که قضیه اینطور است و آقایان موافقت نفرمودند البته این يك منطقه است که اینطور در نظر گرفته اند این مربوط با وضع است که پیش می آید این اوضاع همه را صیبا کرده است هم شمارا هم ما را هم از اولش هم از وسطش هم از آخرش هم از سیما بنشین هم از قانونش در موقعی که باید بنشینیم فکر کنیم که ما در این دنیا چه بدبختی ها داریم باید بنشینیم آن پنج هائی را که رفته شده بنده کنیم آن وقت می بینیم چه گرفتاری است بنده امیدوارم آقای اعتبار توجه بکنند و مسترد بکنند

اعتبار - بنده اجازه میخواهم عریض بنده را سوء تعبیر کردند میخواهم توضیح عرض کنم  
نایب رئیس - بفرمائید  
اعتبار - بنده عرض کردم اینجا رقم است ایشان هم می فرمایند رقم است بنده عرض کردم رقم است بنشینیم در

خارج واقعا رسیدگی کنیم بنیم که بنده اشتباه می کنم یا آقای نقابت و شاید خودشان هم متوجه هستند و من تعجبم این است که وقتی اعضا کمیسیون و آقای وزیر داد گستری هم میفرمایند که موافق هستند چرا ایشان به این پیشنهاد موافقت نمی کنند .

نایب رئیس - آقای وزیر داد گستری نظر آقا چیست ؟  
وزیر داد گستری - موافقم  
مخبر - بنده مخالفم  
اعتبار - چرا ؟  
نایب رئیس - ایشان مخبرند و حق دارند

مخبر - عرض کنم این مطالب سابقه زیاد دارد در همین يك وقت يك اختیاراتی . . .

اعتبار - ایشان روی چه ترتیبی حرف میزنند حرف خصوصی را بیرون میشود زد . . . . .  
نایب رئیس - مخبر کمیسیون در هر موقع حق دارد توضیح بدهد

مخبر - عرض کرده سابقه دارد آقای وزیر داد گستری اختیاراتی خواسته بودند پیشنهاد شد که از اختیارات کاسته بشود آقای وزیر هم موافقت کردند ولی کمیسیون عدلیه بجهاتی که قانع شده بود موافقت نکرد آقای وزیر داد گستری در این لایحه نظرشان بدست هزار ريال بود و بعد هم اگر از نظر دولت تلقی میفرمائید و وزارت مالیه باصراحه عرض میکنم این مالیه ای که تشکیل شده میل ندارد يك انتقال ملک بپرده داده شود برای اینکه این بست ها باشد برای اینکه باز هم مأمورین بروند . . .

نایب رئیس - (آقا صدای زنگ) آقا در ضمن مذاکرات متوجه باشید که با تراکت صحبت بکنید . . .

مخبر - بالاخره اعضا کمیسیون عدلیه با هزار جهت اینها عقاید شخص بنده هم نیست اینها عقاید افکار اعضا کمیسیون است ( اعتبار - عقیده اعضا کمیسیون غیر از این است ) اعضا کمیسیون اگر بخواهند رأی بدهند بدهند ولی رأی اولی خودشان را نقض نکرده اند و به بنده اختیار داده اند

که عرض کنم کمیسیون عدلیه بهزار دلیل که بکیش نگفتنی است و هر وقت بنده اینجا میخواهم یکی از آن حرفهایی را که در کمیسیون گفته شده نقل کنم هم زنگ صدا خواهد کرد و هم دماغ انسان خواهد ترکید که اینها چیست بنده برای رضای خدا استدعا میکنم اجازه بفرمائید بهمین صورت که هست بگذرد و حق بیچارگان مستهندان با آنها برسد .

اعتبار - دولت قبول کرده است آقا مورد ندارد .  
نایب رئیس - آقای انوار

انوار - این فعلاً از ماده چهارده خارج شد برای اینکه دولت قبول کرده است بتوان دیگری دارد این فرمایشی را که آقای اعتبار فرمودند و توضیحی که دادند بنده هیچ ملتفت نشده کی موافقت کرده در خارج چرا ؟ حالا عرض میکنم هیچ بنده تصور نکردم که در يك ملک مجاز باشد بیش از سه هزار تومان داده شود (همه ها نمائندگان) صبر کنید آقا میگویند این ملک که منتقل شده اگر قسمت آن ( حالا یا تمام ملک باشد یا یک دانگ ) بیش از سه هزار تومان باشد که هیچ و اگر تا سه هزار تومان باشد ارزش نمیگیرند (صحیح است) حالا ما صد هزار چه بگوئیم این عبارت است در مرتبه توجه بفرمائید در صورتیکه بهای پرداختی بفروشنده ملک خریداری شده بیش از سه هزار ريال باشد صرف نظر از دعوی عین و غیره ملک عیناً بدون معالجه بهای پرداختی بفروشنده یا کسی که متصرف چنین انتقال تشخیص گردد رد میشود . میخواهد ملک را بهشان برگردانند و این پول را بگیرند حالا اگر سه هزار تومان قیمت آن باشد از او نمی گیرند يك کسی دیگر هم که در این ملک شریک است يك حقی دارد این را بگویند چون این قیمتی . . . که باین شخص داده اند سه هزار تومان است بقو دیگر نباید بدهند . نه این میشود حالا این عبارت است میخواهی تجزیه کن جمع کن فصل کن مرکب کن منحل کن عبارت همین است این است که کمیسیون هم موافقت کرده روی این نظر که نسبت به فرد فرد اشخاص که

معاملاتشان از سه هزار تومان بیشتر نباشد این ترتیب واقع شود آقای اعتبار بنده و شما همه مان طرفدار دولت هستیم و طرفدار امنیت هستیم وقتی که این قانون آمد به مجلس در تمام ایران صداها بلند شده بود دولت و مجلس خواستند این صداها را که این مدت بلند شده و این دانشگاهی که بیست سال در دلها بود برای اینکه آبی با آتش آنها بریزیم و آن صداها را خاموش کنیم باینصورت آوردیم حالا همی خرده خرده بروش میاوریم اینجایش نه آنجایش نه همی کم بکنیم و از میان برود دولت آمد گفت از روی استحقاق این را خواهیم داد حالا میگویند که در یک ششدها کی اگر چند نفر باشند این را مستثنی بکنیم این همیشه باید نسبت به ریاست از انتقال دهندگان سه هزار تومان منظور شود و بیست نفر داده شود حالا قیمت آن ملک که انتقال پیدا کرده است و از دست اورفته است اگر سه هزار تومان بیشتر یا کمتر باشد از او نمیگیرند آنچه که ما فهمیدیم این است و مطابق این ما رأی دادیم بفر از اینهم مانظری نداریم ما که از خزانه مملکت نداده ایم پیشنهاد خرج نکرده ایم حالا بیائید ملاحظه مملکت را بکنید یا از جهت سیاست مملکت یا از جهت مفلوک و بیچاره بودن این رعایا این را موافقت بفرمائید و این پیشنهادتان را پس بگیرد

**نایب رئیس** - عرض کنم این پیشنهاد را آقای وزیر داد گستری قبول کردند جزء ماده میشود در قسمت بند ب سه فقره پیشنهاد راجع به حذف شده است در موقع رأی تکلیف آنها معلوم میشود حالا رأی میگیریم به اول فقره ب ب اصلاحی که شد.

**دکتر جوان** - بنده پیشنهاد تجزیه میکنم.

**اعتبار** - اعلام رأی شده است پیشنهادها هم تمام قرائت شده **دکتر جوان** - بنده تقاضا دارم یکدفعه با آن پیشنهادی که آقای اعتبار دادند رأی گرفته شود یکمرتبه بدون آن پیشنهاد.

**نایب رئیس** - يك قسمت را نمیشود تجزیه کرد

**دکتر جوان** - پیشنهادی که آقای اعتبار دادند بعنوان ره است.

**نایب رئیس** - تبصره ایست

**دکتر جوان** - چون این خودش عنوان مستقلمی است ممکن است یکمرتبه به بند رأی بگیریم یکمرتبه هم با این پیشنهاد

**نایب رئیس** - يك قسمت را قبلا عرض کرده که نمیشود تجزیه کرد این عبارت را آقای وزیر داد گستری قبول کردند جزء ماده شد

**مخبر** - اجازه میفرمائید (بعضی از نمایندگان - اعلا) رأی شده است) کمیسیون داد گستری نسبت باین پیشنهادی که آقای اعتبار داده اند مخالف است و او اینصورت قبول کند باید به پیشنهاد رأی گرفت اگر مجلس تصویب کرد جزء ماده میشود غیر از این نیست ممکن است نظامنامه را قرائت بفرمائید

**نایب رئیس** - دولت وقتی قبول کرد جزء ماده میشود.

**مخبر** - بنده تقاضای ارجاع این ماده را به کمیسیون میکنم

**نایب رئیس** - این را میتوانی این ماده ارجاع

به کمیسیون میشود. ماده بانزده را ممکن است مطرح کنیم.

**وزیر داد گستری** - بند بعد از این است مطرح بفرمائید

**نایب رئیس** - بنده بند که نمیشود تمام این ماده به کمیسیون

برگشته است.

**وزیر داد گستری** - پس ماده بانزده را قرائت بفرمائید.

این ماده میبرود تمام لایحه که میبرود.

**نایب رئیس** - تأثیر در آن ماده ندارد (وزیر داد گستری

خیر ندارد) اگر ماده چهارده يك تغییراتی پیدا کرد آنوقت

در مواد دیگر تأثیر دارد باین جهت بنده عرض کردم که

تمام لایحه بکمیسیون رجوع میشود در جلسه دیگر مطرح

میشود. چنانچه آقایان اجازه بفرمائید بودجه سال ۱۳۲۱

مجلس شورای ملی مطرح شود. آقای امیر تیمور فرمایشی دارد.

**امیر تیمور** - اگر بودجه مجلس مطرح بشود عرض دارم.

۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

**روحی** - جلسه را ختم کنیم بنده پیشنهاد کنم.

**نایب رئیس** - نسبت به پیشنهاد ختم جلسه مخالفی نیست

(خیر) جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده یکشنبه سه ساعت

پیش از ظهر

(مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

**نایب رئیس مجلس شورای ملی** - بیات